کتابخانه مجازی الفبا
بازنشر مقالات و کتب
ALEFBALIB.COM

مفهوم و سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی

تاریخ دریافت: ۵/ ۵/ ۸۳ تاریخ تأیید: ۱۲/ ۵/ ۸۳

نجمه کیخا*

پژوهش حاضر با هدف بیان مفهوم و سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی تدوین شده است. در این پژوهش، نخست مفهوم عدالت ذیل چهار بُعد مورد بررسی قرار گرفته است تا تصویری ملموس‌تر از عدالت حاصل آید و سپس سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی با هدف تحقق ابعاد تعریف شده برای عدالت، علاوه بر سطح کارگزاران، در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بحث شده است.

واژه‌های کلیدی: عدالت، برابری، توازن، قانون‌مندی، عدالت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

مقدمه

اجرای احکام و اصول سیاسی اسلام، هدف اصلی نظریه‌پردازی‌های سیاسی است. تأملات نظری دربارهٔ مفاهیمی چون عدالت، آزادی، برابری، جامعه مدنی و... هنگامی مورد قبول و مؤثر واقع می‌شود که با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه، زمینه‌های اجرا و عملی شدن بیشتری برای آنها فراهم شود. بی‌تردید، هدف از تولید علم و نظریه‌پردازی در جامعه کنونی ایران، رفع مشکلات نظری برای شفاف شدن مسیر عمل است. پژوهش حاضر نیز به بیان شاخص‌ها و ابعاد عینی‌تر عدالت اجتماعی برای بالا بردن توان عملی و اجرایی آن در جامعه می‌پردازد. وقتی تصویر ذهنی کارگزاران از عدالت اجتماعی شفاف‌تر گردد، می‌توان به تحقق عدالت

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

در جامعه امیدوار شد.

در این پژوهش نخست به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت اجتماعی اشاره شده است و در ادامه، سازوکارهایی که به تحقق این ابعاد یاری می‌رسانند، در سه بُعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. عدالت فردی و شخصی نیز به عنوان بُعدی مجزا در کنار سه بُعد فوق مطرح شده است، گر چه می‌توان آن را در ذیل عدالت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز بیان کرد.

در مورد عدالت اجتماعی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته و هر اندیشمندی به اقتضای بحث خود تعریفی از آن را ارایه داده است، با این حال هر تعریف تنها گوشه‌ای از مفهوم عدالت را روشن می‌کند. نگارنده با توجه به این مسئله، سعی کرده به ابعادی از عدالت که به نظر می‌رسد در نیل به مفهومی روشن‌تر وکامل‌تر از عدالت یاری می‌رساند، اشاره نماید.

الف) مفهوم و ابعاد عدالت اجتماعی

۱ ـ برابری و مساوات

برابری از مهم‌ترین ابعاد و بلکه اصلی‌ترین معنای عدالت است. معنای برابری این است که همهٔ افراد صرف نظر از ملیت، جنس، نژاد و مذهب، در إزای کار انجام شده از حق برابر به منظور استفاده از نعمت‌های مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار باشند.[۱] مبنای برابری این است که: «انسان‌ها به حسب گوهر و ذات برابرند... و از این نظر، دو گونه یا چند گونه آفریده نشده‌اند».[۲] یا به فرمایش رسول اکرمﷺ: «الناس کأسنان المشط؛[۳] مردم مثل دانه‌های شانه هستند». اما آیا برابری ذاتی انسان‌ها سبب برابری آنها در همهٔ زمینه‌ها می‌باشد؟ و آیا تفاوت استعدادها و شایستگی‌های افراد باعث نابرابری آنها با سایرین نمی‌شود؟

ارسطو برابری را در لحاظ نمودن افراد در برخورداری از ثروت، قدرت و احترام می‌داند و معتقد است باید با هر کس مطابق با ویژگی‌هایش برخورد کرد.[۴] از طرف دیگر، عده‌ای برپایی مساوات عادلانه را در دادن میزان آزادی، معقول می‌دانند تا میدان برای فعالیت کلیهٔ افراد فراهم گردد:

> به موجب این که مقدار فعالیت‌ها وکوشش‌ها یکسان نیست، اختلاف و تفاوت به میان می‌آید: یکی جلو می‌افتد و یکی عقب می‌ماند؛ یکی جلوتر می‌رود و یکی عقب‌تر... به عبارتی، معنای مساوات این است که هیچ ملاحظهٔ شخصی در کار نباشد.[۵]

برابری اجتماعی در سه عرصه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نمود می‌یابد. بسط و توضیح هر یک از این موارد در قسمت‌های مربوط به عدالت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیان خواهد شد.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

کتابخانه مجازی الفبا
بازنشر مقالات و کتب
ALEFBALIB.COM

۲ـ قانون‌مندی

قانون مجموعه مقرراتی است که برای استقرار نظم در جامعه وضع می‌گردد. کارویژه اصلی قانون، تعیین شیوه‌های صحیح رفتار اجتماعی است و به اجبار از افراد می‌خواهد مطابق قانون رفتار کنند. طبق اصول جامعه شناختی، فردی بهنجار تلقی می‌شود که طبق قوانین جامعه رفتار نماید. اما آیا متابعت از هر قانونی سبب متصف شدن افراد به صفت عدالت می‌گردد؟

در پاسخ باید گفت که هر قانونی توان چنین کاری را ندارد. قانون در صورتی تعادل‌بخش است که خود عادلانه باشد و عادلانه بودن قانون به این است که منبع قانون، قانون گذاران و مجریان آن عادل باشند. تنها در چنین صورتی است که قانون‌مندی افراد سبب عادل شدن آنها می‌گردد. قانون علاوه بر عادلانه بودن باید با اقبال عمومی مردم نیز مواجه شود که البته وقتی مردم منبع قانون را قبول داشته باشند و به عدالت قانون‌گذاران و مجریان آن اعتماد یابند، قانون را می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند.

در جامعه دینی که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، قانون حاکمْ قانون اسلام است، زیرا منبع آن را مردم پذیرفته‌اند، لذا قانون می‌تواند امر و نهی کند و عمل به آن عادلانه است. به طور کلی، هماهنگی مستمر انسان با هنجارهای اجتماعی و سنن و آداب منطقی جامعه، از مظاهر عدالت انسانی است و فرد را جامعه‌پسند و استاندارد معرفی می‌کند.[۶] علامه محمدتقی جعفری در این مورد می‌نویسد:

> زندگی اجتماعی انسان‌ها دارای قوانین و مقرراتی است که برای امکان‌پذیر بودن آن زندگی و بهبود آن وضع شده‌اند، رفتار مطابق آن قوانین، عدالت و تخلف از آنها یا بی‌تفاوتی در برابر آنها، ظلم است.[۷]

۳ـ اعطای حقوق

> منظور از حق، امتیاز و نصیب بالقوه‌ای است که برای شخص در نظر گرفته شده و بر اساس آن، او اجازه و اختیار ایجاد چیزی را دارد یا آثاری از عمل او رفع شده و یا اولویتی برای او در قبال دیگران در نظر گرفته شده است و به موجب اعتبار این حق برای او، دیگران موظف‌اند این شئون را محترم بشمارند و آثار تصرف او را بپذیرند.[۸]

طبق تعریف مذکور، عدالت زمانی تحقق می‌یابد که به حقوق دیگران احترام گذاشته شود و اجازه و اختیار و یا تصرفی که حق فرد است، به او داده شود و از تجاوز به حقوق فرد پرهیز گردد. حق در

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

معنای ذکر شده به معنای آن چیزی است که باید باشد ـ چه تا به حال رعایت شده باشد و چه نشده باشد[۹] ـ نه به معنای آن چه که هست.

هر چیزی در جامعه دارای حق است و تعادل اجتماع هنگامی میسر می‌گردد که این حقوق مراعات شود؛ برای مثال، یکی از بزرگ‌ترین حقوقی که افراد بشر دارند، حق تعیین سرنوشت است، حال اگر به دلایلی این حق از انسان سلب گردد به عدالت رفتار نشده است. برای اجرای خوب این بُعد از عدالت اجتماعی، کارهایی باید صورت گیرد: نخست، باید حقوق، اولویت‌ها و آزادی‌های افراد معین و مشخص شود؛ دوم، جایگاه صحیح این حقوق تعیین گردد و سوم، این حقوق به درستی و از سوی افراد و مراجع ذی‌صلاح مراعات شود. همهٔ افراد به شناخت حقوق متقابل خود با دیگران ملزمانـد. سعادت وکمال هر انسانی در گرو شناخت و مراعات حقوقی است که بر گردن اوست.

۴ـ توازن

توازن با توزیع عادلانه ارتباط بسیاری دارد. البته نه تنها به این معنا که امکانات به طور شایسته و صحیح به افراد مستحق برسد، بلکه علاوه بر آن، امکانات به حد لازم و مورد نیاز وجود داشته باشد. هر چیزی که اجتماع لازم دارد، باید به اندازه کافی موجود باشد.

نکته دیگر در بحث توازن، این است که امکانات به نحو صحیح در جامعه تقسیم گردد؛ برای مثال، در جامعه کارهای فراوانی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و ... وجود دارد. اولاً: این کارها باید میان افراد تقسیم شود و ثانیاً: تقسیم کار باید به اندازه کافی و ضروری باشد و طبق نیازهای هر بخش، بودجه و نیرو مصرف گردد. عدل به این معنا، سبب دوام و بقا و تأمین عدالت در کل مجموعه می‌شود،[۱۰] هم‌چنین از پیدایش شکاف طبقاتی و ایجاد طبقه مرفه و ثروتمند در سویی، و طبقات فقیر و نیازمند در سوی دیگر جلوگیری می‌کند. توازن، مصلحت کل جامعه را تأمین می‌کند و به این مسئله توجه دارد که توزیع نقش‌ها و امکاناتْ بخشی، مقطعی و محدود نباشد، بلکه همه جانبه بوده وکلیه بخش‌ها و افراد را در بر گیرد.

ابعاد مذکور تصویر روشن‌تری از عدالت را به ذهن متبادر می‌سازد و در تعیین سازوکارهای تحقق آن یاری می‌رساند. در نتیجه‌گیری از آنچه آمد می‌توانیم برقراری مساوات، توازن و روحیهٔ اطاعت از قانون در اجتماع، به نحوی که با مراعات حقوقِ تمامی شهروندان همراه باشد، را به عنوان تعریف عدالت اجتماعی پیشنهاد کنیم. مباحث مقالهٔ حاضر بر اساس همین تعریف ارائه شده است.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

کتابخانه مجازی الفبا
بازنشر مقالات و کتب
ALEFBALIB.COM

ب) سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی

۱ ـ وجود عدالت در کارگزاران

کوتاه‌ترین و باصرفه‌ترین راه برای دست‌یابی به عدالت اجتماعی، وجود انسان‌های عادل و با تقوایی است که نهاد آنان مزین به ملکه عدالت شده است و راه پر پیچ و خم نیل به عدالت جمعی را به دور از دغدغهٔ شیوه‌های سازمانی و نهادمند پیچیده امروزی طی می‌نمایند. در این مفهوم، انسان‌های عادل همانند مهره‌های شطرنج تلقی می‌شوند که بدون نیاز به بازیگری در صحنه، خود جابه‌جا می‌شوند و بازی را به پیش می‌برند. انسان عادل به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت آشناست و همه آنها را در اعمال، گفتار و رفتار خویش رعایت می‌کند، در پی احقاق حقوق خویش است، به خوبی با حقوق خود و سایرین آشناست، به قوانین عمل می‌کند و سعی در ایجاد توازن و برابری در جامعه دارد تا جامعه‌ای فارغ از تبعیض و امتیازات ناعادلانه ایجاد گردد.

از نگاه اندیشمندان مسلمان، جهان و همهٔ هستی بر محور عدل و داد حرکت می‌کند و این اصل در تمام وجوه هستی برقرار است. یکی از وجوه کوچک هستی، نفس آدمی است که فطرتاً با عدالت آشنا می‌باشد. انسان، به عنوان نقطهٔ پرگار و اصل و اساس آفرینش مکلف به نهادینه کردن عدالت در خود و برقراری عدالت در جامعه است. لذا برخی در تعریف عدالت گفته‌اند:

> عدالت روحیه و نیرویی است که همواره متعادل عمل می‌کند و مطابق حق و واقعیت پیش می‌رود و حق هر کسی را به وی می‌دهد و جلوی احساسات نفع طلبانه شخصی یا انتقام‌جویی و بدخواهی و یا رفتار برابر سلیقه و میل خود را می‌گیرد و در یک کلمه، تابع حق و قانون است.[۱۱]

علمای اسلامی قبل از بحث در مورد عدالت اجتماعی، به عدالت شخصی و فردی عنایت داشته و در این خصوص بر عدالت شخصی حاکم نیز تأکید نموده‌اند. مصادیق توجه به عدالت فردی از تعاریفی که از آن ارایه شده، پیداست: اعتدال قوای شهویه، غضبیه و عقلیه؛ استقامت بر شرع و طریقت اسلام؛[۱۲] داشتن مروت و مردانگی که مروت به معنای سازگاری با هنجارهای اجتماعی و سرپیچی ننمودن از آن است[۱۳] و تعریفی که خواجه نصیرالدین طوسی بیان کرده و محاسنی هم‌چون صداقت، الفت، وفا، شفقت، صله رحم، مکافات، حسن شرکت، حسن قضا، تودد، تسلیم، توکل و عبادت را برای عدالت ذکر می‌کند.[۱۴]

فقها نیز عدالت را ملکه راسخه‌ای تعریف کرده‌اند که سبب ملازمت بر تقوا در ترک محرمات و انجام واجبات می‌شود و یا در تعریفی دیگر، عدالت را ملکه راسخه‌ای دانسته‌اند که فرد را از انجام کبائر و اصرار بر صغایر باز می‌دارد.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

در این که چرا به عدالت فردی به خصوص در شخص حاکم توجه فراوان شده است، دلایلی وجود دارد: یکی، تحقق عدالت اجتماعی را بدون عادل بودن مجری یا مجریان آن ناممکن دانسته‌اند و شخص غیر عادل را در ایجاد جامعه‌ای عدالت‌محور ناتوان می‌دیدند. به عبارت دیگر، مباحثی مثل عدالت نهادهای اجتماعی که امروزه در برابر عدالت افراد مطرح می‌شود، در باور آنها نمی‌گنجیده است.

دلیل دیگر، اعتقاد علمای اسلامی به الگو بودن حاکم جامعه است. آنان بر این باورند که مردم پیرو فرمان‌روایان خود هستند و اگر آنان دادگرانه عمل کنند، شهروندان نیز عدالت را پیشه خود می‌سازند. سخنی از امام علی علیه‌السلام وجود دارد که در آن به خوبی می‌توان نمودِ این اندیشه را یافت:

> رایت عدالت را در میان شما برافراشتم و از حدود حلال و حرام آگاه‌تان کردم و از عدالت خویش، جامه عافیت بر تن‌تان پوشاندم و معروف را با گفتار و کردارم در میان شما گسترش دادم.[۱۵]

عقیده به وجود عدالت در حاکم جامعه به عنوان مهم‌ترین رکن اندیشه‌های سیاسی شیعی، می‌تواند دلیلی دیگر برای طرح این مسئله از سوی اندیشمندان اسلامی باشد. برخلاف اندیشهٔ اهل سنت، شیعیان تنها حکومتی را مشروع می‌دانند که حاکم آن از عدالت برخوردار باشد و به دلیل وجود همین ویژگی است که شیعه قیام علیه حاکم جور را روا می‌شمارد. به هر حال، مهم‌ترین وظیفه حاکم عادل، رفع ظلم و جور از جامعه و رساندن مظلومان به حقوق‌شان می‌باشد. این که چگونه می‌توان انسان‌ها را به سمت و سوی عدالت هدایت کرد، بحثی است که در چارچوب عدالت فرهنگی می‌گنجد.

۲ـ سازوکارهای سیاسی

۲ـ۱ـ مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی روندی است که طی آن، قدرت سیاسی میان افراد جامعه توزیع می‌گردد؛ به این معنا که تمامی شهروندان از حق تصمیم‌گیری، ارزیابی، انتخاب و انتقاد بهره‌مند می‌شوند. مایکل راش مشارکت سیاسی را «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی»[۱۶] می‌داند. لازمهٔ مشارکت سیاسی فعال وجود آزادی سیاسی است، چرا که در فقدان آزادی، نظارت و انتقاد صورت نمی‌پذیرد. مواردی چون آزادی بیان، آزادی انتقاد، آزادی اجتماعات، آزادی قلم و ... ذیل عنوان آزادی سیاسی قرار می‌گیرند. آزادی سیاسی حقی است که تمام شهروندان باید به طور برابر از آن برخوردار باشند.

بنیاد نظری مشارکت بر این اصل استوار است که حکومت از آنِ مردم و برای مردم و در جهت

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

اعتقادات و خواسته‌ها و منافع آنان است و بنابراین، این مردم هستند که باید زمامدار امور باشند، ولی از آن جایی که گردش امور و هدایت آن از سوی کلیهٔ افراد ممکن نیست، تعدادی از شهروندان به نمایندگی از مردم هدایت امور را بر عهده می‌گیرند. اما همان گونه که گفته شد انتخاب افراد، نظارت و ارزیابی، ارایه پیشنهاد و انتقاد از آنها و نیز تعیین اهداف نظام و جهت‌گیری کلی آن، از سوی مردم و با موافقت آنان و بر اساس نظام ارزشی آنان انجام می‌شود. این امور از وظایف مهم مردم بوده و آنها در قبال انجام آن مسئول‌اند، زیرا اهمال و سستی در برابر آن تنها به زیان خود مردم بوده و به ستم بر آنان خواهد انجامید. مشارکت سیاسی شهروندان به دو شیوه فعالیت‌های مشارکت جویانه و فعالیت‌های پیرو منشانه قابل تحقق است.

در بُعد مشارکتی، شهروند در صدد اعمال نفوذ بر روند سیاست‌گذاری است. این فعالیت‌ها در اَشکال تصریح منافع، تألیف منافع و سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد که در جریان آنها، شهروندان به بیان درخواست‌ها و پیشنهادهای خود به نفع سیاست‌ها پرداخته و اعمالی چون رأی دادن، حمایت سیاسی از رهبر یا گروه سیاسی و تقاضا و پیشنهاد را انجام می‌دهند.

در بُعد پیرومنشانه، شیوه‌هایی چون ارایه منابع، دریافت منابع و رفتار قانونمند وجود دارد و مردم در قبال برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی و خدمات رفاهی، به پرداخت مالیات، رفتن به خدمت نظام وظیفه، اطاعت از قوانین و انجام رفتارهای بهنجار، سوگند وفاداری خوردن به حکومت، گوش دادن به سخنرانی رهبران سیاسی و ... مبادرت می‌ورزند.[۱۷] نمونهٔ چنین اعمالی در اسلام نیز مورد توجه بوده و مسلمین علاوه بر پرداخت مالیات، موظف به پرداخت وجوهی چون زکات و خمس می‌باشند. پاره‌ای از این موارد در سخنان علی علیه‌السلام ذکر شده است، آن‌جا که می‌فرمایند:

> موظف‌اید از فرمان من سرپیچی نکنید! در کارهایی که انجام آنها به صلاح و مصلحت است، سستی و تفریط روا مدارید و در دریاهای شداید به خاطر حق فرو روید.[۱۸]

در اسلام، مشارکت سیاسی با عناوین مختلف، از جمله عنوان شورا مورد پذیرش قرار گرفته است. علامه محمد تقی جعفری در این خصوص می‌نویسند:

> انتخابات، شئون حیات و کیفیت آنها در زمینه همه موضوعات زندگی مادام که به نهی صریح برخورد نکند، در اختیار مردم است و چون اسلام این اختیار انتخاب را پذیرفته و شورا و جماعت را اصل قرار داده است، بنابراین حکومت مردم بر مردم را در یک معنای عالی پذیرفته است.[۱۹]

مواردی چون شورا، بیعت، نصیحت ائمه مسلمین و ... که ناظر به فعالیت‌های مشارکت جویانه می‌باشد، به وفور در آیات و روایات یافت می‌شود.[۲۰] در اسلام مقام رهبری جامعه از شأن و منزلت

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

والایی برخوردار است و رهبر باید دارای ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص و منحصر به فرد باشد، چرا که در زمان غیبت، به نیابت از امام معصوم زعامت و رهبری مردم را بر عهده دارد. رهبری در اسلام با نظریه‌های متفاوتی مواجه شده است، اما در همهٔ آنها مردم از حق انتخاب برخوردار بوده و رهبر مادام که مقبولیت مردمی را کسب نکند، رهبریش به فعلیّت نمی‌رسد. زیرا «بسط ید» رهبر بدون حضور و مشارکت مردم محقق نمی‌شود. پس از انتخاب نیز هیأتی از خبرگان مردم، وظیفهٔ نظارت بر رهبر را بر عهده می‌گیرند.

مشارکت سیاسی مردم زمانی فعالانه، آگاهانه و مؤثر است که مردم منبع اصلی اعمال و رفتارهای حکومتی (قانون) را قبول داشته باشند و به منابع استخراج قانون باور داشته و آن را بپذیرند. از طرف دیگر، افراد جامعه باید یقین پیدا کنند که تصمیم‌گیری و عملکرد نظام منطبق بر ارزش‌های پذیرفته شده آنان و قانون حاکم بر جامعه می‌باشد، در این صورت است که حکومت مشروعیت لازم را کسب می‌نماید و به تبع آن، از مقبولیت عام نیز برخوردار می‌شود، زیرا در تلقی مردم حکومتی عادلانه است که مشروعیت داشته باشد و قانون آن عادلانه باشد، چنین حکومتی است که با مشارکت فراوان مردم روبه رو خواهد شد.

۲ـ۲ـگزینش سیاسی

> گزینش سیاسی فرآیندی است که به وسیله آن، افراد مقامات رسمی را در نظام سیاسی به دست می‌آورند یا در نقش صاحب منصبان رسمی اساساً در مقامات سیاسی و اداری ظاهر می‌شوند، اما در بعضی موارد در نقش منصب‌داران دیگر مانند اعضای قوهٔ قضائیه، پلیس و ارتش خدمت می‌کنند.[۲۱]

معمول‌ترین فرایند گزینش سیاسی در جهان امروز، انتخاب از بین دو کاندیدا یا بیشتر با رأی مخفی است، اما انتصاب مقامات از جایگاه والایی برخوردار است. در گزینش افراد به خصوصیاتی همچون سن، جنس، قومیت، تحصیلات، شغل و غیره توجه می‌گردد، اما خصوصیات عام‌تری نیز وجود دارد که افراد بیشتری را در بر می‌گیرد. ثروت و دارایی، شأن و منزلت، آمادگی روانی و ایدئولوژیک و مهارت‌ها و تجربه‌های افراد از جمله این ویژگی‌ها می‌باشد. از منظر عدالت اجتماعی، آنچه در فرایند گزینش سیاسی اهمیت دارد این است که معیارهای گزینش افراد مبتنی بر چیست؟ آیا در گزینش افراد، خصوصیات اکتسابی و استعداد و توان واقعی وی مد نظر قرار می‌گیرد یا بر ویژگی‌های انتسابی، موروثی و طبقاتی او توجه می‌شود؟

بدیهی است که شیوهٔ اول مناسب‌تر و به عدالت نزدیک‌تر است، عوامل تعیین کنندهٔ دیگر در

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

عادلانه بودن گزینش، سیستم گزینش افراد است. آیا انتخاب افراد برای به دست گرفتن مناصب، شخصی است یا سازمانی؟ به عبارت دیگر، آیا افراد پس از گذراندن مراحل خاص به یک مقام دست می‌یابند یا این که در بدو امر از سوی چند تن از افراد سازمان آن را عهده‌دار می‌شوند؟

معمولاً در سیستم‌های حکومتی از هر دو شیوه استفاده می‌شود، اما هر چه فرایند انتخاب افراد غیر شخصی‌تر گردد، از دخالت عوامل نامربوط به استعدادها و توانایی‌های فرد در انتخاب او کاسته می‌شود و به استقرار شایسته‌سالاری در جامعه نزدیک‌تر می‌شویم.

۲ـ۳ـ امنیت

فراهم شدن شرایط و زمینه‌های برابر برای ارتقای همهٔ افراد جامعه و برخورداری یکسان آنها از فرصت‌های اجتماعی، از عوامل مهم تأمین برابری در جامعه است و یکی از راه‌های اساسی برای فراهم کردن چنین زمینه‌ای، تأمین امنیت در جامعه می‌باشد. با ایجاد امنیت پایدار و گسترده، همگان به یکسان از فرصت‌های مناسب و مساعد برخوردار می‌شوند تا به انجام بهتر امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بپردازند.

از گذشته‌های دور تا امروز امنیت از مقوله‌های مهم و رایج زندگی بشر بوده است و گذر زمان نه تنها از اهمیت آن نکاسته، بلکه روز به روز بر اهمیت آن افزوده شده و ابعاد و دامنهٔ وسیع‌تری یافته است. بنابراین، انجام هیچ کاری بدون وجود امنیت متصور نیست و در فقدان امنیت نه عدالت تحقق می‌یابد و نه آزادی. بسیاری از فلاسفهٔ بزرگ سیاسی عامل تشکیل حکومت را تأمین امنیت دانسته‌اند:

> ریشهٔ امنیت در لغت از امن، استیمان، ایمان و ایمنی است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و نا آرامی است.[۲۲]

امنیت دارای دو بُعد ذهنی و عینی است. به عبارت دیگر، امنیت هم شامل اطمینان و آرامش فیزیکی است و هم آرامش روحی و روانی را در بر می‌گیرد. «باری بوزان» امنیت را با توجه به این دو بُعد، این‌گونه تعریف می‌کند:

> امنیت عبارت از حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌باشد.[۲۳]

بنابراین برابری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ـ به عنوان شاخص‌های عدالت اجتماعی ـ زمانی برقرار خواهد شد که افراد جامعه از تمامی تهدیدات فیزیکی و روحی و روانی مصونیت داشته باشند.

با شنیدن واژه امنیت آنچه در وهله نخست به ذهن متبادر می‌شود، فراغت از جنگ و درگیری

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

مسلحانه و برخوردهای خشونت‌آمیز و در نهایت، دست‌یابی به صلح است. با این تصور، تهدید نظامی مهم‌ترین عامل ناامنی به شمار می‌رود و به تبع آن، مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها افزایش قدرت نظامی و توان دفاعی است. با وجود همهٔ اهمیتی که امنیت نظامی دارد، این بُعد از امنیت اهمیت درجهٔ اولی خود را از دست داده و به جای آن، امنیت فرهنگی و اقتصادی بالاترین درجهٔ اهمیت را به خود اختصاص داده است. البته با وجود تنزّل اهمیت امنیت نظامی، افزایش قدرت دفاعی کشور هم‌چنان اهمیتی بالا دارد. با چنین برداشتی از امنیت در دنیای امروز، می‌توان اقسامی را برای امنیت در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

الف) امنیت شخصی: به معنای امنیت فرد در زندگی خود و سلامت جسم و صحت وی و شهرتش در حد قانون می‌باشد.

ب) امنیت عمومی: فعالیتی حکومتی است که هدفش استقرار امنیت در کشور می‌باشد و این فعالیت‌ها متضمن اعمال دفاع اجتماعی، تنظیم عبور و مرور و ... می‌باشد.

ج) امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی به دو معنا به کار برده می‌شود:

۱ ـ مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدها یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و دولت؛

۲ ـ پیش بینی و تدارک دولت برای تأمین نیازهای مردم.

د) امنیت ملی: توانایی یک ملت برای حفاظت از خود و ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی.[۲۴]

تقسیم بندی مذکور مجموعه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت را به منظور تأمین امنیت در کشور شامل می‌گردد، از این رو می‌توان امنیت را با توجه به این ابعاد نیز طبقه‌بندی کرد.

هـ) امنیت سیاسی: مراد از امنیت سیاسی، اطمینان شهروندان به احقاق حقوق‌شان از سوی دولت است. افراد جامعه هنگامی که از امنیت شخصی، عمومی و اجتماعی‌شان از جانب دولت اطمینان حاصل کنند، به امنیت سیاسی دست یافته‌اند. در این مورد دولت موظف است که در مراحل مختلف قانون‌گذاری، قضاوت و اجرای قوانین بی‌طرفی خود را نسبت به شهروندان حفظ کند و شهروندان نیز از این بی‌طرفی اطمینان حاصل نمایند.

اقدام سیاسی یا اداری دولت علیه افراد وگروه‌ها و خشونت و سلب حیثیت و منزلت افراد از سوی دولت از مهم‌ترین تهدیدهای دولت نسبت به افراد است[۲۵] که به امنیت سیاسی خدشه وارد می‌سازد. در این میان آنچه بیش از همه به فراگیر شدن امنیت سیاسی در جامعه کمک می‌کند و افراد جامعه را نسبت به اقدامات دولت خوش‌بین می‌نماید، اقتدار سیاسی دولت است که خود بر آمده از مشروعیت

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

بالای نظام سیاسی می‌باشد.

۳ـ سازوکارهای اقتصادی

در وهله اول آنچه از عدالت اقتصادی به ذهن می‌آید، توزیع عادلانهٔ ثروت در جامعه است. ساده‌ترین راه کسب ثروت، کار و فعالیت تولیدی است؛ به این معنا که کار، شخص را مالک حاصل آن کار می‌کند. اما این رابطهٔ ساده و منطقی میان فعالیت فرد و تعلق گرفتن ثروت به او، تصویر متفاوتی در واقعیت می‌یابد و جامعه در عرصه اقتصاد از ظلم و ستم‌ها، استثمار، تبعیض‌ها و نابرابری لبریز می‌گردد. علت این امر می‌تواند در بخش کار و تولید باشد؛ یعنی همهٔ افراد از شغلی که با آن امرار معاش می‌کنند برخوردار نباشند، یا ممکن است اِشکال به سازمان توزیع برگردد؛ یعنی مزد متناسب با فعالیت افراد به آنان تعلق نگیرد و یا در توزیع درآمدهای عمومی به شهروندان، انصاف و برابری لحاظ نشود و یا ممکن است مصرف به طور صحیح انجام نشود و استفاده نادرست گروهی سبب شود قشری دیگر از جامعه از نعمت‌های موجود بی‌بهره بمانند.

علاوه بر ناهماهنگی و اِشکال در تولید، توزیع و مصرف، مسایلی هم‌چون ناتوانی‌های جسمی یا حوادث طبیعی نیز می‌تواند فرد را از کار و فعالیت و در نتیجه، از بهره‌مندی از ثروت محروم سازد، هم‌چنین برخی افراد یا گروه‌ها راه‌هایی را برای کسب ثروت به کار می‌گیرند که در عمل موجب محرومیت افراد بسیاری از حق‌شان می‌شود. احتکار و گران‌فروشی، ربا، استثمار افراد از طریق پرداخت دستمزد پایین‌تر از حد معمول، سرقت از بیت المال، ارتشا، عدم پرداخت وجوهی که باید به دولت پرداخته شود، اسراف و تبذیر و... سبب ایجاد بی‌عدالتی و نابرابری و پیدایش فاصله طبقاتی میان افراد می‌گردد.

به طور کلی، سوء تدبیرهای دولت و رفتارهای خلاف قانون و ناعادلانهٔ برخی افراد جامعه، از اسباب اصلی تأمین نشدن عدالت اقتصادی در جامعه به شمار می‌روند، بنابراین ایجاد عدالت در گروِ اصلاح این دو و مشارکت آنها با یکدیگر است. افراد جامعه باید مشارکت اقتصادی مفید و فعال داشته باشند و دولت را در حل معضلات اقتصادی یاری رسانند و در مقابل، دولت نیز با تمام امکانات خود باید مشکلات مطرح شده در سه عرصهٔ تولید، توزیع و مصرف را حل کند و با افراد و گروه‌های مخل عدالت اقتصادی، به شدت برخورد نماید از طرفی هم موظف به تأمین زندگی مناسب و متعادل برای ناتوانان و نیازمندان است، لذا فعالیت‌های دولت دو جنبهٔ سلبی و ایجابی می‌یابد.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

۳ـ ۱ ـ اقدامات دولت برای تحقق عدالت اقتصادی

عمده‌ترین مشکلات اقتصادی که سد راه تحقق عدالت اقتصادی می‌شود، در هر سه بخش تولید، توزیع و مصرف نهفته است. گام نخست برای رفع این مشکلات، حل نمودن مشکل تولید است، چرا که با تولید انبوه وکافی، بخش زیادی از مشکلات توزیع و مصرف نیز مرتفع خواهد شد. عمده‌ترین مواردی که باید در بخش تولید رعایت شود، عبارت‌اند از: ۱ ـ تولید مایحتاج زندگی به اندازه کافی و ۲ ـ ایجاد کار مناسب برای همهٔ افراد و برابری آنها در داشتن شرایط مساعد کاری.

دولت برای انجام این کارها مجاز است در اقتصاد مداخله داشته باشد، زیرا تصور می‌شود در اختیار قرار دادن تمامی مراحل تولید به بخش خصوصی، نابسامانی‌های اجتماعی و افراط و تفریط‌هایی را در پی خواهد داشت. از این رو، دولت «به منظور تضمین و تعیین حداکثر و حداقل تولید کالاهای ضروری»[۲۶] در عرصهٔ تولید نقش‌هایی را ایفا می‌کند، به این صورت که نخست با تأسیس واحدهای اقتصادی، مردم را در فعالیت‌های اقتصادی شرکت می‌دهد و در مرتبه بعدی، تسهیلات سرمایه‌ای و مالی را تأمین می‌کند تا مقدمات کار فراهم گردد.[۲۷]

علاوه بر مطالب ذکر شده، همهٔ افرادی که در سنین کار کردن به سر می‌برند، باید از شغل متناسب برخوردار باشند، چرا که بیکاری علاوه بر جنبهٔ اقتصادیش که باعث گسترش فقر می‌گردد و از طریق تأثیر بر دستمزدها، بر فقر تعدادی از شاغلان می‌افزاید،[۲۸] به لحاظ اجتماعی نیز معضلات بسیاری به همراه دارد و نوعی بیماری اجتماعی محسوب می‌شود. دولت علاوه بر کاریابی باید به نحوی عمل کند که افراد بیکاره به وجود نیاید:

> بیکاره کسی است که اصولاً برای هیچ کاری آمادگی پیدا نکرده است وکاری به او یاد نداده‌اند و اگر هم بخواهد کار کند، از عهده بر نمی‌آید.[۲۹]

دولت باید در تأمین شرایط اشتغال در جامعه، برابری همه افراد را مد نظر قرار دهد؛ یعنی شرایط و امکانات کار کردن برای همهٔ اقشار فراهم شود که یکی از لوازم آن، داشتن آزادی انتخاب شغل است تا افراد به تناسب استعداد، علاقه، توان و شایستگی‌های خویش شغلی را که می‌خواهند، انتخاب کنند. این کار نقش مهمی در افزایش کیفیت کار تولیدی و توسعهٔ اقتصاد کشور دارد. هم‌چنین دولت می‌تواند برای استفاهٔ بهینه از کار تولیدی و بهبود بیشتر آن، زمینه‌های افزایش مهارت افراد را فراهم نماید؛ به عنوان مثال، برای افراد مستعدی که در جایی کار می‌کنند، دورهٔ آموزش ضمن خدمت بگذارد تا در سطح بالاتر و با مهارت افزون‌تر به کار خود بپردازند.[۳۰]

برنامه‌های دولت در بخش توزیع در دو جهت متمرکز می‌شود:

۱ ـ رعایت برابری اقتصادی در توزیع ثروت‌های عمومی و تسهیلات رفاهی، عمرانی و بهداشتی؛

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

۲ ـ رعایت حقوق افراد در دادن دستمزد واقعی به آنها (تناسب درآمد با میزان کار افراد).

دولت موظف است امکانات رفاهی از قبیل حمل و نقل عمومی، لوله‌کشی فاضلاب شهری، روشنایی معابر، جمع آوری زباله و ...، بهداشت عمومی هم‌چون بهداشت شهر و روستا، تأمین آب آشامیدنی سالم، ایجاد درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های مجهز، جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیر و خطرناک، بهداشت محیط زیست و ... و عمران و آبادانی تمامی نقاط کشور را برای همه بخش‌ها و مناطق کشور و همهٔ افراد به یکسان تأمین نماید. توزیع نادرست این امکانات، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناگواری خواهد داشت. مهاجرت روستاییان به شهرها و یا مهاجرت از شهرهای کوچک و دور افتاده به شهرهای بزرگ، گسترش بی‌رویهٔ شهرنشینی، پیدایش شهرهای خیلی بزرگ، حاشیه نشینی و غیره از این نوع پیامدها می‌باشد. توزیع نامتناسب در درون خود شهرها نیز سبب تقسیم شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به دو بخش مرفه نشین و فقیرنشین می‌شود که این خود به افزایش تبعیض و بی‌عدالتی دامن خواهد زد. علاوه بر موارد مذکور، باید دستمزد افراد مطابق کار و استحقاق‌شان به آنها پرداخت شود و بدین ترتیب از استثمار و تضییع حقوق افراد جلوگیری گردد.

بنابراین، در بخش توزیع باید اوّلاً: توزیع همه جانبه و گسترده باشد و ثانیاً: مراکز تولیدی و اشتغال در تمامی نقاط کشور پراکنده باشد تا با تمرکز آنها در نقطه‌ای خاص، به معضلاتی که ذکر شد، گرفتار نشویم و هم‌چنین در قبال فعالیت‌های انجام شده دستمزد منصفانه به افراد پرداخت گردد. با بهبود و اصلاح تولید و توزیع، بخش عمده‌ای از مشکلات مصرف نیز حل می‌شود. آنچه در مقولهٔ مصرفْ مطلوب است، برخورداری همهٔ افراد از امکانات لازم و ضروری یک زندگی مناسب می‌باشد. اما همان‌گونه که می‌دانیم عدم دسترسی همه افراد به این امکانات، بزرگ‌ترین مانع نیل به این هدف است، زیرا منابع و فرآورده‌های اقتصادی به اندازهٔ کل جمعیت نیست و همهٔ افراد نمی‌توانند تمامی نیازهای‌شان را از منابع اقتصادی تأمین کنند.

با وجود نکات ذکر شده، می‌توان اقداماتی انجام داد تا حداقل اکثر مردم از زندگی متعادلی برخوردار گردند. بخشی از این کارها با مشارکت‌های مردمی انجام می‌پذیرد و بخشی دیگر نیز به عهدهٔ دولت است. دولت باید نخست از مسایلی پیشگیری کند که در این بخش مشکل به وجود می‌آورند؛ همانند افزایش جمعیت مصرف کننده. در این راستا دولت با آموزش روش‌های کنترل و تنظیم خانواده، از افزایش بی‌رویهٔ مصرف کنندگان می‌کاهد و با تعلیم روش‌های صحیح مصرف و ارایه الگوی صحیح آن، از اسراف منابع اقتصادی جلوگیری می‌کند.

مداخلهٔ دولت در اقتصاد می‌تواند به شکل‌های نظارت، قانون‌گذاری و اجرای طرح‌های اقتصادی باشد. برای کارساز بودن مداخله در اقتصاد، محدوده‌ای به نام قلمرو آزادی نظر قانونی ارایه شده است

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

تا تغییرات و مقتضیات زمانی نیز در قانون‌گذاری دولت مورد توجه قرار گیرد، بدین ترتیب دولت به برنامه ریزی صحیح و حل پیشامدهای اقتصادی ناشی از تحولات فنی و تکنولوژی قادر خواهد بود. افزون بر اموری که دولت به طور ایجابی بر عهده دارد، سازوکارهای سلبی را نیز می‌تواند به منظور بهبود و پیشرفت اقتصادی به کار گیرد؛ همانند مبارزه با فساد اداری، رشوه، ربا و استثمار در بخش تولید، مقابله با احتکار وگران‌فروشی و سرقت اموال عمومی در قسمت توزیع و جلوگیری از اسراف و اتلاف منابع کشور.

چنان‌که ذکر شد، مؤلفه اصلی برخورداری افراد از دارایی‌های موجود، کار و فعالیت است. با وجود این، برخی مواقع حوادثی اتفاق می‌افتد که موجب از بین رفتن و یا کاهش درآمد می‌شود. اتفاقاتی هم‌چون بیماری، از کار افتادگی، فوت، اخراج، بیکار شدن و... و یا مسایلی همانند افزایش تورم، هزینه‌های غیر مترقبه و... سبب کاهش درآمد و یا کاهش بهره‌مندی افراد می‌شود.[۳۱] در این‌گونه موارد دولت کوشش‌هایی به منظور «جبران خسارت و نتایج حاصل از پاره‌ای حوادث و اتفاقات اجتماعی»[۳۲] انجام می‌دهد که از آن، به «تأمین اجتماعی» تعبیر می‌شود. اصول ۴۳ تا ۴۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر مهم اختصاص یافته است. تأمین اجتماعی علاوه بر حل نیازهای مادی افراد، رفاه معنوی آنان را نیز مد نظر قرار می‌دهد:

> شخص در هر شغل و مقامی از آیندهٔ خود و خانواده‌اش نگرانی نداشته و برای تأمین آینده، ناچار از کار بدون وقفه و دست زدن به هر عملی برای کسب پول و تأمین آتیهٔ خود نمی‌گردد.[۳۳]

در گذشته، تأمین اجتماعی به شیوه‌هایی چون حمایت خانواده، مالک، استادکار، مؤسسات مذهبی، موقوفات و... انجام می‌شد، اما امروزه علاوه بر برخی روش‌های سنتی، سازمان‌ها و نهادهایی چون سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بیمه خدمات درمانی، مؤسسه‌های غیر دولتی مانند مؤسسه‌های امور خیریه، صندوق‌های قرض الحسنه و صندوق‌ها و مؤسسه‌های بازنشستگی برخی شرکت‌ها و نهادهای دولتی این وظیفه را بر عهده دارند.[۳۴] هم‌چنین امروزه علاوه بر تلاش در راه جبران خسارت‌های افراد، تلاش در جهت جلوگیری از بروز حوادث و پیش‌بینی‌های لازم نیز مورد تأکید است.

آیةالله سید محمدباقر صدر مسئولیت و ضمان دولت را در تأمین اجتماعی افراد، از نوع ضمان اعاله می‌داند، به این نحو که «اعاله فرد، تهیه وسایل و لوازم زندگی او به طور مکفی است... دولت باید حاجات اصلی و عمومی به غذا، مسکن و لباس را تأمین کند».[۳۵]

مبنای اصلی تعهد دولت در تأمین اجتماعی افراد، ایجاد توازن اقتصادی در جامعه است. منظور از

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

توازن این است که افراد جامعه از حیث «سطح زندگی» مساوی باشند تا بدین‌وسیله از شکاف طبقاتی کاسته شود. حد و اندازهٔ کمک دولت به نیازمندان تا زمانی است که آنان بی‌نیاز گردند؛ یعنی «بتوانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی بهره‌مند گردند». این کمک‌ها علاوه بر مسلمین، غیر مسلمانان ساکن در قلمرو دولت اسلامی را نیز شامل می‌شود.[۳۶]

منابع دولت در تأمین اجتماعی افراد، علاوه بر مالیات‌های شرعی مانند خمس و زکات، از محل درآمدهای عمومی و ثروت‌های دولتی از قبیل فیء یا طسق می‌باشد. فیء در اصل «ثروت‌هایی است که مسلمانان از کفار، بدون قتال به غنیمت گرفته و در اختیار پیغمبر یا امام، به اعتبار مقام و منصب ایشان قرار می‌داده‌اند....».[۳۷] طسق آن است که «به استناد آن، امام اختیار دارد از احیا کننده زمین و شخص منتفع مالیات اخذ کرده و آن را در راه تأمین هزینه‌های عمومی جامعه به مصرف برساند».[۳۸]

علاوه بر منابع ذکر شده، شهروندان بنا به مسئولیتی که در قبال یکدیگر دارند کمک هایی به دولت می‌کنند که در بخش مشارکت اقتصادی مردم بیان می‌شود.

۳ـ۲ـ مشارکت اقتصادی مردم در تأمین عدالت اقتصادی

اصلاح و بهسازی امور اقتصادی زمانی میسر خواهد شد که در این زمینه علاوه بر فعالیت‌های دولت، مردم نیز فعالانه مشارکت نمایند:

> در جامعهٔ اسلامی باید کوشش شود دولت همه مصالح مردم را مورد توجه قرار بدهد و تأمین کند. ولی از سوی دیگر، کارها هر چقدر ممکن است کمتر دولتی شود.[۳۹]

تجربه نشان داده که جمع میان آزادی اقتصادی افراد و مداخله در اقتصاد ممکن نیست، زیرا زندگی در دوران کنونی از سویی، نیازمند دخالت فزایندهٔ دولت در اقتصاد و تأمین مسایل رفاهی، بهداشتی و عمرانی از سوی دولت است و از سوی دیگر، این مداخله سبب کاهش آزادی‌های افراد می‌گردد، بنابراین مناسب‌ترین راه این است که کارها تا حد ممکن با سعی و کوشش خود مردم حل و فصل شود و دخالت دولت تنها برای تضمین عادلانه بودن امور اقتصادی صورت گیرد.[۴۰]

از دیدگاه اسلام، مردم نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و باید تا حد ممکن مشکلات یکدیگر را حل کنند، زیرا هر مسلمانی که صبح کند و به اصلاح امور مسلمین نیندیشد، مسلمان نیست. البته این مسئولیت تنها به مثابهٔ تکلیفی نیست که بتوان آن را از گردن ساقط کرد، بلکه این مسئولیت در اسلام با حس اخوت و عطوفت همراه شده است. اسلام می‌خواهد عامل روحی و ذاتی را با روشی که آن اهداف را محقق می‌سازد، ترکیب کند؛ مثلاً گاهی برای سیر کردن فقرا از ثروتمندان کمک می‌گیرد و از این رهگذر، نیازهای آنها را مرتفع می‌سازد. این روش برای به ثمر رساندن جهت عینی مسئله که

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

سیر کردن فقیر باشد، کافی است، ولی «تا آن‌گاه که روش تحقق بخشیدن به همکاری عمومی، عاری از هرگونه انگیزه اخلاقی و عامل خیرخواهی در روح ثروتمندان باشد، اسلام بر آن صحه نمی‌گذارد»،[۴۱] به این خاطر واجبات مالی در اسلام جزء عبادات شرعی محسوب می‌شود تا انگیزهٔ خیرخواهی افراد در آن دخیل باشد.[۴۲]

به طور کلی مردم با اجرای قوانین و عدم تخلف از آن‌ها، بزرگ‌ترین مشارکت را در اقتصاد انجام می‌دهند؛ برای مثال، در بخش تولید درست کار می‌کنند، طفره نمی‌روند و کم کاری نیز نمی‌کنند؛ به عبارت بهتر، وجدان کاری دارند و بدین وسیله از فساد اداری، کاهش تولید و یا تولید نامطلوب پیشگیری می‌شود. در بخش توزیع نیز از گران‌فروشی، احتکار، کم فروشی و استثمار پرهیز می‌نمایند و در صورت مشاهدهٔ قصوری از جانب دولت، به انتقاد پرداخته، آرا و پیشنهادهای خود را ارایه می‌دهند. مهم‌ترین نقش مردم در بخش مصرف، پرهیز از اسراف و تبذیر و اتلاف منابع است که اصلی‌ترین نقش آنها در تمام مراحل اقتصاد به شمار می‌رود. به کارگیری الگوی صحیح مصرف، به مردم در انجام این وظیفه یاری می‌رساند. شهروندان هم‌چنین از طریق پرداخت مالیات، با دولت مشارکت می‌نمایند و حتی اگر در جامعه وضعیتی پیش آید که به کمک اکثر آنها نیاز باشد، در حد توان خودبه دولت یاری می‌رسانند. حاکم اسلامی نیز در چنین مواقعی «ضریب‌های معینی را مشخص می‌کند؛ یعنی مالیات‌های مشخصی را وضع، و آن را دریافت می‌کند».[۴۳]

۴ـ سازوکارهای فرهنگی

فرهنگ عبارت است از: ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌نمایند.[۴۴]

فرهنگ، محتوای باطنی و چارچوب ذهنی افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهد. شخصیت افراد متأثر از فرهنگ خاص جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند و تظاهرات خارجی افراد که به صورت آداب و سنن و هنجارهای اجتماعی آنان نمود می‌یابد، برگرفته از مایه‌ها و باورهای درونی آنان است. لذا، فرهنگ دارای دو سطح ذهنی و مادی می‌باشد و سطح ذهنی آن به صورت زیر بنا عمل نموده و با تغییر خود، در سطح مادی تغییر و تحول ایجاد می‌کند. بنابراین، فرهنگ مشخص کننده شیوهٔ نگرش ما به مسایل است؛ برای مثال، دیدگاه و عملکرد ما نسبت به اقتصاد، فرهنگ اقتصادی ما را می‌سازد و نسبت به حکومت و سیاست و سیاست‌مداران، فرهنگ سیاسی ما را شکل می‌دهد، تا آن جا که حتی از فرهنگ گفت وگو، فرهنگ کتاب‌خوانی، فرهنگ ورزش و ... نیز صحبت می‌شود.

عدالت فرهنگی به دنبال یافتن راه‌هایی است که در شکل‌گیری ذهنیت‌ها و تغییر آنها و در نتیجه،

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

در نوع رفتار افراد عدالت برقرار گردد. اما در این که چه عواملی بر ذهن و عمل افراد تأثیر می‌گذارد، آنچه در وهله اول به ذهن می‌رسد این است که علم و معرفت و کسب آگاهی‌های تازه، ذهنیت فرد را شکل می‌دهد و تفاوت آگاهی‌ها، باعث تمایز انسان‌ها از یکدیگر می‌شود. بنابراین، یکی از زمینه‌های تحقق عدالت فرهنگی، برابری افراد در بهره‌مندی از علم و معرفت مطابق با طبع و ذوق و علاقهٔ آنها می‌باشد.

اساس استبداد، استعمار، ظلم و بی‌عدالتی بر جهل بنا شده است. جاهلان از حقوق خویش بی‌اطلاع‌اند نه از حقی که بر گردن خود دارند، آگاه‌اند و نه از حقی که بر گردن دیگران دارند، لذا اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری انواع بی‌عدالتی‌ها، از جمله حکومت‌های مستبد می‌باشند و این حکومت‌ها نیز عملاً تا زمانی تداوم می‌یابند که جهل مردم تداوم داشته باشد. بنابراین، مبارزه با جهل و ناآگاهی گامی در راه تحقق عدالت به شمار می‌رود. آگاهی، به دو طریق رسمی و غیر رسمی انجام می‌پذیرد و اصلی‌ترین راه غیر رسمی آن، خانواده است:

> فرد در خانه با فرهنگ جامعه آشنا می‌شود، از مشاهده رفتار والدین متوجه این حقیقت می‌شود که آیا پدر و مادر و سایر اعضای خانواده او از میزان‌های خاصی پیروی می‌کنند یا رفتار آنها تابع هیچ قاعده و اصلی نیست؟ آیا این میزان‌ها موافق یکدیگر هستند، یا متضاد می‌باشند؟ آیا پدر و مادر او همیشه در مقابل دیگران گذشت و اغماض روا می‌دارند یا در یک مورد گذشت می‌کنند و در مورد دیگر سختگیر هستند؟[۴۵]

بنابراین، اعتدال روحی و روانی فرد در خانواده نضج می‌گیرد. داشتن شخصیتی ثابت، متعادل و میانه‌رو ـ نه جزمی و دگم ـ در نتیجهٔ زندگی در خانواده‌ای با چنین ویژگی‌هایی تحقق می‌یابد. برخورداری از روحیه و منش متعادل، زمانی میسر است که با محیط پیرامون همواره تبادل فکر و اطلاعات برقرار کنیم و از تحولات جدید مطلع باشیم، در غیر این صورت اعتدال روانی جای خود را به رکود و تحجر خواهد داد.

یکی دیگر از ابزارهای مهم انتقال اطلاعات به افراد، مدرسه است. مدرسه نهادی رسمی است که بیشتر اطلاعات فرد از محیط پیرامون را به او می‌رساند و او را برای نقش‌های مختلف موجود در جامعه آماده کرده، با هنجارها و قواعد اجتماعی آشنا می‌سازد. فرد شیوهٔ صحیح زندگی اجتماعی را می‌آموزد و از حقوق خود و سایرین اطلاع می‌یابد، هم چنین آمادگی شرکت فعالانه در زندگی سیاسی و پذیرش مسئولیت در جامعه را می‌یابد.

شیوهٔ دیگر انتقال اطلاعات به افراد وسایل ارتباط جمعی است که امروزه نقش و جایگاه قابل توجهی یافته است. مطبوعات و رسانه‌های جمعی می‌توانند در آنِ واحد جمعیت بی‌شماری را پوشش

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

دهند، لذا هم به لحاظ زمانی و هم مکانی از سایر شیوه‌ها در انتقال اطلاعات سریع‌تر و وسیع‌تر عمل می‌کنند، به همین جهت مطبوعات و رسانه‌ها جایگاه بالایی را در فرایند جامعه‌پذیری افراد به خود اختصاص داده‌اند:

> جامعه‌پذیری به طور کلی به معنای روندی است که بدان وسیله اعضای یک جامعه ارزش‌های گوناگون فیزیکی، فرهنگی، تکنولوژیک و زیبایی‌شناختی جامعه را طی دوره طولانی و اغلب در سراسر زندگی، به تدریج درونی و از آنِ خود می‌کنند. به طور مشخص‌تر، جامعه پذیری سیاسی را می‌توان ترکیبی از مکانیسم‌ها، روندها و نهادهای گوناگونی دانست که به وسیله آنها، اعضای جامعه به تدریج از روابط قدرت طبقه حاکم در جامعه‌شان آگاهی و شناخت می‌یابند و الگوها را می‌پذیرند.[۴۶]

به طور کلی، جامعه‌پذیری از خانواده آغاز شده، در مدرسه ادامه می‌یابد و به وسیله رسانه‌ها و مطبوعات استمرار پیدا می‌کند. علاوه بر این، شیوه‌های اطلاع رسانی فرصت بحث و انتقاد را به نحو وسیعی فراهم کرده، به ارتقای آگاهی عمومی جامعه کمک می‌نماید.

علاوه بر موارد ذکر شده، در اسلام راه‌های دیگری برای آگاه کردن و پرورش ذهنی افراد وجود دارد: یکی از این راه‌ها، مسجد است. مسجد علاوه بر این که مکان عبادت خدا می‌باشد، باعث تقویت روحی افراد نیز می‌گردد. هم‌چنین مساجد از گذشته مکان آموزش علم بوده و معمولاً دارای کتابخانه وکلاس‌هایی هم‌چون قرآن‌خوانی یا جلسات سخنرانی و بحث بوده‌اند.

راه دیگر انتقال اطلاعات، تریبون نماز جمعه است که هر هفته علاوه بر ذکر و توصیه به تقوا، مهم‌ترین اخبار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام را به اطلاع عموم افراد می‌رساند. در فریضهٔ حج نیز همهٔ مسلمانان جهان در یک مکان گرد هم می‌آیند و علاوه بر افزایش وحدت میان آنان، به تبادل فکر و اطلاعات می‌پردازند.

به طور کلی، نهادهایی مانند آموزش و پرورش، خانواده، مطبوعات و ... بر رفتار اجتماعی افراد نظارت کرده، شیوه‌های رفتار شایسته و ناشایسته را به آنها آموزش می‌دهند.

تعالی فرهنگ عمومی جامعه و پیشرفت آن در جهت خیر و صلاح عمومی، نیازمند راهنمایی مطمئن و الگویی صحیح است که مورد توافق اکثر شهروندان قرار گیرد. این الگو در مواقعی، اساطیر بوده و در مواقعی دیگر، مسلک‌ها و مرام‌های ساخته و پرداختهٔ ایدئولوگ‌ها بوده است و در زمان‌هایی نیز مذهب چنین نقشی را داشته است. با وجود اهمیت هر سه مورد، تأثیر و نمود بیرونی مذهب بیش از سایر موارد بوده است. در این جا تأکید اصلی و ویژه، بر اسلام است که دارای طرح و برنامه در ابعاد و سطوح مختلف، نقشه‌ها و راهنمای عمل برای روابط و رفتار فردی و اجتماعی آحاد، گروه‌ها، ملت

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

کتابخانه مجازی الفبا
بازنشر مقالات و کتب
ALEFBALIB.COM

و امت اسلامی و مسئولان دولت و نظام سیاسی اسلام و ساماندهی و تدبیر و اداره آنهاست.[۴۷]

از آن جا که این باور وجود دارد که این طرح از ناحیهٔ خدا بوده و عملی‌ترین و مناسب‌ترین طرح برای ساختن جامعه‌ای سعادتمند است، استقبال مردم نیز از آن بیشتر می‌باشد. هر چه «امکان تعبیر و تفسیر پذیری مذهب و تطبیق آن با شرایط متحول تاریخی»[۴۸] بیشتر باشد، نقش آن در عرصه‌های مختلف زندگی بیشتر است و اسلام به دلیل داشتن چنین خصوصیتی، در تکامل اجتماعی انسان نقش بسزایی داشته است:

> تلقی از دین می‌تواند مهم‌ترین عامل شتاب بخشیدن به رشد و بلوغ مردم و آشنا کردن آنان به حقوق خود و استقرار نظم قانونی معقول در جامعه و فراهم آوردن زمینه‌ای باشد که دین‌داران بتوانند تأمین کننده سربلندی و نیرومندی مادی و معنوی جامعه و کشور باشند.[۴۹]

در جامعه اسلامی و یا دینی، پایبندی به دین از اصلی‌ترین عوامل مشروعیت‌بخش به شمار می‌رود که سبب افزایش اطاعت مردم از حکومت وکمک و حمایت آنان از دولتمردان می‌شود. دین نخست بر فرد صحه می‌گذارد و آن‌گاه به جامعه می‌پردازد. به عبارت دیگر، دین برای تحقق عدالت اجتماعی، نخست بر عدالت فردی و شخصی تأکید می‌کند و پس از پرورش انسان‌های عادل، به ایجاد جامعه عادلانه همت می‌گمارد. انسان عادل در هر جایگاهی که باشد، به قواعد و مقررات آن عمل می‌کند و رفتاری صحیح و شایسته از خود نشان می‌دهد. چنین فردی بهنجار و مورد پسند جامعه است.

بنابراین، با افزایش شمار عادلان، جامعه بر محور فضیلت و انصاف حرکت خواهد کرد. در چنین جامعه‌ای هر فرد و نهادی، نقش و وظایف مشخصی دارد و مطابق با آن عمل می‌نماید، بدین ترتیب صلاح خود و جامعه‌اش را تأمین می‌کند. توازن ناشی از دین، مصلحت و خیر تمام افراد جامعه را در بر دارد و به همین جهت مذهب از عوامل همبستگی اجتماعی به شمار می‌رود.

عدالت شخصی پایهٔ عدالت تقنینی، اجرایی و قضایی است. به عبارت دیگر، با وجود قانون‌گذار، مجری و قاضی عادل است که می‌توان از قانون، اجرا و قضاوت منصفانه سخن به میان آورد. از سوی دیگر، عملکرد و رفتار مردم جامعه متأثر از رفتار هیأت حاکمه است، چرا که مردم بر دین و شیوهٔ هیأت حاکمه عمل می‌نمایند: «الناس علی دین ملوکهم».

امنیت فرهنگی نیز از وظایف اصلی و بنیادین دولت به شمار می‌رود. این مسئله هم در سطح کلان و هم خرد مورد توجه است. به عبارت دیگر، دولت باید در درجهٔ اول محیط فرهنگی مساعد و مناسبی برای پرورش فکری و روانی آحاد افراد جامعه به وجود آورد و سپس برابری و انصاف را در عرصهٔ فرهنگ لحاظ کند. وجود آزادی اندیشه و بیان برای قشرهای مختلف و تأمین برابر و یکسان

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

امکانات فرهنگی برای پیشرفت فکری و پژوهش‌های علمی سبب تأمین امنیت فرهنگی در سطح خرد می‌گردد. از سوی دیگر، ایجاد یک نظام فکری مستحکم، پیدایش هویت عمومی منسجم اعضای جامعه و همدلی و همبستگی آنان سبب تأمین جو فرهنگی مساعد در سطح کلان خواهد شد. پوچی، بی‌ارادگی، بی‌هویتی، سردرگمی، بی‌هدفی، فرار سرمایه‌های فکری و متخصص، ترس از ارایه نظر و رکود و جمود فکری جامعه از نتایج ناامنی فرهنگی است.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

کتابخانه مجازی الفبا
بازنشر مقالات و کتب
ALEFBALIB.COM

پی‌نوشت‌ها

۱. علی آقابخشی، ***فرهنگ علوم سیاسی*** (تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵) ص ۱۲۸.

۲. مرتضی، مطهری، ***وحی و نبوت*** (تهران: صدرا، ۱۳۷۴) ص ۱۲۷.

۳. تحف‌العقول، ص ۳۶۸، به نقل از: مرتضی مطهری، **بیست گفتار** (تهران: صدرا، ۱۳۷۴) ص ۱۱۸.

۴. ارسطو، **سیاست** (تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی و شرکت سهامی، ۱۳۷۱) ص ۱۲۲.

۵. مرتضی مطهری، **پیشین**، ص ۱۲۸.

۶. سید محمد خامنه‌ای، ***ریشه‌ها و مفهوم عدالت در فقه و حقوق اسلام***، در این مأخذ: ***عدالت در روابط بین الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی***، تهیه کننده: سید عبدالمجید میردامادی، ج ۱ (تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۴) ص ۳۱.

۷. محمدتقی جعفری، ***ترجمه و تفسیر نهج البلاغه***، ج ۳ (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸) ص ۲۵۵.

۸. حسین توسلی، «فلسفه حق در اندیشه سیاسی آیةالله مطهری»، ***فصلنامه علوم سیاسی***، سال چهارم، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۸۱.

۹. محمد بهشتی، ***حق و باطل از دیدگاه قرآن*** (تهران: بقعه، ۱۳۷۸) ص ۲۱.

۱۰. مرتضی مطهری، ***مجموعه آثار*** (تهران: صدرا، ۱۳۷۵) ص ۷۸.

۱۱. سید محمد خامنه‌ای، **پیشین**، ص ۳۰.

۱۲. محمدحسین جمشیدی، ***اندیشه سیاسی شهید رابع امام سید محمدباقر صدر*** (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷) ص ۲۵۵.

۱۳. سید محمد خامنه‌ای، **پیشین**، ص ۳۱.

۱۴. خواجه نصیرالدین طوسی، ***اخلاق ناصری***، تصحیح و توضیح از: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹) ص ۱۱۵ ـ ۱۱۶.

۱۵. ***نهج البلاغه***، ترجمه عبدالحمید آیتی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷) خطبه ۸۶، ص ۱۷۳.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

۱۶. مایکل راش، ***جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی***، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: سمت، ۱۳۷۷) ص ۱۲۳.

۱۷. گابریل آلموند و دیگران، ***چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی***، ترجمه علیرضا طیب (تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶) ص ۹۱ـ۹۲.

۱۸. ***نهج البلاغه***، ترجمه عبدالحمید آیتی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸) نامه ۵۰.

۱۹. محمدتقی جعفری، ***مجموعه مقالات «حاکمیت خداوندی»*** (تهران: مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۷۷) ص ۱۷۱.

۲۰. برای نمونه، می‌توان به آیاتی از قرآن اشاره کرد: ***شورا*** (۴۲) آیه ۳۸؛ ***آل عمران*** (۳) آیه ۱۵۹ و ***حجرات*** (۴۹) آیه ۱۳. در زمینه نصیحت ائمه مسلمین نیز، ر.ک: ***نهج البلاغه***، خطبه ۲۰۷.

۲۱. مایکل راش، ***پیشین***، ص ۱۴۴.

۲۲. قربانعلی دری نجف آبادی، «نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان علیه‌السلام»، ***حکومت اسلامی***، سال پنجم، ش ۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۸۲.

۲۳. باری بوزان، ***مردم، دولت‌ها، هراس***، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸).

۲۴. احمد امیدوار، ***امنیت ـ امنیت ملی، ابعاد نظری و راهبردهای عملی*** (مقالاتی در مورد امنیت ملی و نقش نیروهای انتظامی) (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۹) ص ۷۸ و ۷۹.

۲۵. باری بوزان، ***پیشین***، ص ۶۱.

۲۶. محمدباقر صدر، ***اقتصاد ما***، ترجمه اسپهبدی (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰) ج ۲، ص ۲۸۶.

۲۷. ***همان***، ص ۲۹۰.

۲۸. احمد ساعی، ***مسائل سیاسی ـ اقتصادی جهان سوم*** (تهران: سمت) ص ۸۸.

۲۹. محمد بهشتی، ***اقتصاد اسلامی*** (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲) ص ۱۴۰ ـ ۱۴۱.

۳۰. ***همان***، ص ۱۵۰.

۳۱. مهدی طالب، ***تأمین اجتماعی*** (تهران: بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۸) ص ۴۴.

۳۲. ***همان***، ص ۴۱.

۳۳. ***همان***، ص ۲۷.

۳۴. ***همان***، ص ۲۱۸.

۳۵. محمدباقر صدر، ***پیشین***، ص ۲۹۳.

۳۶. ***همان***، ص ۲۹۷.

۳۷. ***همان***، ص ۳۰۸.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com

۳۸.**همان**، ص ۱۶۶.

۳۹. محمد بهشتی، **پیشین**، ص ۱۲۱.

۴۰. محمدباقر صدر، **پیشین**، ص ۲۷۳.

۴۱.**همان**، ج ۱.

۴۲. **همان**، ص ۳۳۷.

۴۳. محمد بهشتی، **پیشین**، ص ۱۰۶.

۴۴. آنتونی گیدنز، ***جامعه‌شناسی***، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول (تهران: نشر نی، ۱۳۷۲) ص ۳۶.

۴۵. علی شریعتمداری، ***روانشناسی تربیتی*** (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵) ص ۲۱۰ـ۲۱۱.

۴۶. عبدالرحمن عالم، ***بنیادهای علم سیاست*** (تهران: نشر نی، ۱۳۷۵) ص ۱۱۸.

۴۷. علیرضا صدرا، «ویژگی‌های فقه سیاسی شیعه»، ***فصلنامه علوم سیاسی***، سال چهارم، ش ۱۴، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۹.

۴۸. حسین بشیریه، ***جامعه‌شناسی سیاسی*** (تهران: نشر نی، ۱۳۷۶) ص ۲۲۲.

۴۹. سید محمد خاتمی، «اقتراح دربارهٔ فرهنگ سیاسی»، ***نقد و نظر***، سال دوم، ش ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۴ـ۱۵.

کتابخانه مجازی الفبا | بازنشر مقالات و کتب | Alefbalib.com